## لاستیک جداشده از کامیون جان رهگذر را گرفت

**جدا شدن لاستیک کامیون عبوری در جاده امام‌رضا(ع) جان مردی رهگذر را گرفت.**

به گزارش خبرنگار ما، سرهنگ احسان مؤمنی رئیس اداره تصادفات پلیس راهور تهران گفت: این حادثه ساعت ۲۲:۴۵ شامگاه سه‌شنبه ۱۵ مردادماه اتفاق افتاد. وقتی مأموران پلیس در محل حادثه در مسیر شرق به غرب بزرگراه امام رضا(ع) روبه‌روی بازار گل حاضر شدند مشخص شد چرخ محور سمت راست کامیون به علت نقص فنی از وسیله نقلیه جدا شده و با رهگذری که در حاشیه جاده ایستاده بود برخورد کرد و مرگ وی را که مردی ۵۵ساله بود، رقم زده است.

## زن مسلح در قفس طلایی گرفتار شد

**زن مسلح که قصد داشت از مغازه طلافروشی در پاساژ ارگ سرقت کند بازداشت شد.**

به گزارش خبرنگار ما، سرهنگ علی قاسمی رئیس کلانتری ۱۲۲ دربند گفت: این حادثه دو روز قبل از طریق مرکز هشدار الکترونیک به کلانتری اعلام شد. با حضور مأموران در محل که مغازه‌ای طلافروشی در پاساژ ارگ بود، سارق را که زنی ۳۴ساله بود، بازداشت کردند. مرد طلافروش در توضیح ماجرا گفت: لحظاتی قبل این زن به بهانه خرید طلا وارد شد، اما اسلحه کشید و گفت باید هزار سکه طلا به او بدهم. من هم به سرعت سیستم هشدار را فعال کردم که در مغازه قفل شد و مأموران در محل حاضر شدند و متهم را بازداشت کردند. مأموران پلیس در بازرسی از متهم یک قبضه کلت کمری ساچمه زنی و یک عدد شوکر الکتریکی کشف کردند. سرهنگ قاسمی گفت: تحقیقات بیشتر در این باره جریان دارد.

## کشف جسد مرد آرایشگر در باغ پردیس همدان

**مأموران پلیس همدان جسد مرد جوانی را داخل یکی از باغ‌های پردیس کشف کردند.**

سرهنگ رضا زارعی، رئیس پلیس آگاهی استان همدان به ایسنا گفت: صبح دیروز مأموران پلیس جسد جوان ۳۰ساله‌ای را در باغ‌های پردیس شهر همدان کشف کردند که بررسی‌ها نشان داد، وی از آرایشگران شهر همدان است. وی با بیان اینکه علت فوت این جوان هنوز مشخص نیست، عنوان کرد: جسد کشف شده برای انجام آزمایش‌های لازم و مشخص شدن علت اصلی مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد.

## اعضای باند تایسون بازداشت شدند

**اعضای یک‌شبکه سرقت معروف به گروه تایسون در جنوب تهران بازداشت شدند.**

به گزارش خبرنگار ما، تلاش مأموران کلانتری ۱۷۱ مصطفی خمینی از مدتی قبل و همزمان با شکایت‌های مشابه درباره سرقت خودرو و لوازم آن در آن محدوده، خصوصاً حوالی دانشگاه شاهد به جریان افتاد. مأموران پلیس در جریان بررسی‌های بیشتر موفق شدند اعضای باند چهارنفره را شناسایی کردند و آنها را در شهرستان رباط کریم بازداشت کنند. در تحقیقات از اعضای گروه مشخص شد که سردسته باند مردی به نام علی، معروف به علی تایسون است. همچنین مشخص شد که یکی از اعضای گروه که دانیال نام دارد پس از چهارسال تحمل حبس از زندان آزاد شده و باند را به سرکردگی علی‌تایسون تشکیل داده است.

سرهنگ محمد کالوسی، سرکلانتر دهم پلیس پیشگیری پایتخت گفت: تحقیقات برای شناسایی جرائم بیشتر متهمان در جریان است.

## بازداشت اصغر هندی برای سی‌ویکمین بار

**مجرم سابقه‌دار معروف به اصغر هندی که پس از رهایی از زندان اقدام به سرقت می‌کرد، برای سی‌ویکمین بار بازداشت شد.**

به گزارش خبرنگار ما، این پرونده از مدتی قبل و همزمان با طرح شکایت‌های مشابه علیه مردی که اقدام به سرقت گوشی تلفن همراه از مغازه‌های حوالی کلانتری ۱۷۱ شهیدمصطفی خمینی می‌کرد به جریان افتاد. در بررسی‌ها مشخص شد متهم و همسرش به بهانه خرید گوشی وارد می‌شدند و در فرصتی مناسب گوشی را از روی پیشخوان سرقت کرده و فرار می‌کنند. تحقیقات برای بازداشت متهمان در جریان بود تا اینکه مخفیگاه آنها شناسایی شد و زوج سارق بازداشت شدند. در بررسی سوابق مرد جوان مشخص شد که متهم معروف به اصغر هندی از مجرمان سابقه‌دار است که قبلاً ۳۰بار به اتهام جرائم مختلف بازداشت شده و هشت‌سال از عمرش را هم در زندان سپری کرده بود. سرگرد رضا اسلام‌نژاد، رئیس کلانتری ۱۷۱ شهید مصطفی خمینی گفت: مأموران کلانتری در بازرسی از مخفیگاه متهمان ۳۰۰گوشی سرقتی کشف کردند. وی گفت: تحقیقات برای شناسایی جرائم دو متهم در جریان است.

# بازداشت مرد شیطان‌صفت با ارابه شیشه دودی

**مرد شیطان‌صفت که سوار بر خودروی پژوی شیشه دودی در پوشش مسافربری زنان را ربوده و در حاشیه تهران به آنها تعرض می‌کرد سرانجام به دام پلیس افتاد.**

به گزارش خبرنگار ما، بی‌توجهی مدیران شهری نسبت به ساماندهی کردن مسافربران شخصی به آسیب‌های اجتماعی بسیاری منجر می‌شود. این موضوع سبب شده است تا تبهکاران در پوشش مسافربری اقدام به تشکیل باندهای زورگیری، آدم‌ربایی، قتل یا تجاوز به نوامیس مردم کنند. یکی از این پرونده‌ها شامگاه ۲۸آذرماه سال گذشته تشکیل شد. آن شب زن جوانی به مأموران پلیس تهران خبر داد از سوی راننده یک خودروی مسافربر شخصی مورد آزار قرار گرفته‌است. او گفت: ساعت ۱۹ در میدان راه‌آهن منتظر تاکسی بودم تا به خانه‌ام در نازی‌آباد بروم اما از تاکسی خبری نبود.

بعد از آن بود که یک خودروی پژو پارس نقره‌ای توقف کرد و بعد از گفتن مسیرم به راننده که مردی حدوداً ۳۰ساله بود سوار شدم. راننده اما بعد از طی مسافتی تغییر مسیر داد که اعتراض کردم. او به اعتراضم توجهی نکرد و درها و شیشه‌های ماشین را هم قفل کرد. خواستم از راننده‌های عبوری درخواست کمک کنم که دیدم شیشه‌های ماشین هم دودی است. از شدت ترس نمی‌دانستم چه‌کار کنم که او در حاشیه آزاد راه تهران قم در محلی خلوت توقف کرد. بعد هم با تهدید چاقو به من تعرض کرد و در تاریکی شب من را رها کرد و گریخت.

بعد از مطرح شدن شکایت پرونده به دستور بازپرس دادسرای امور جنایی در اختیار تیمی از کارآگاهان اداره شانزدهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت. بررسی‌ها در این باره جریان داشت تا اینکه شکایت‌های مشابهی به کلانتری‌های تهران گزارش شد. مشخصاتی که شاکیان از مرد مسافربر در اختیار پلیس گذاشته بودند با مشخصاتی که اولین شاکی در اختیارشان گذاشته‌بود، مطابقت داشت بنابراین مشخص شد که مرد شیطان‌صفت به همان شیوه زنان را ربوده و در حاشیه شهر به آنها تعرض می‌کند. همچنین مشخص شد که متهم همه زنان را بین ساعت‌های ۱۹ تا ۲۲ در محدوده‌های متروی نواب یا میدان راه‌آهن شناسایی و آنها را در دام سیاه خود گرفتار کرده است.

در حالی که شکایت‌ها علیه متهم همچنان در جریان بود مأموران پلیس با اطلاعاتی که شاکیان در اختیارشان گذاشتند موفق شدند شماره پلاک خودروی متهم را شناسایی و مالک آن را که مجرمی سابقه‌دار بود شناسایی کنند. بعد از به دست آمدن این اطلاعات کارآگاهان پلیس اول مردادماه متهم را سوار بر خودروی خود حوالی افسریه بازداشت کردند. متهم در بازجویی‌های اولیه جرمش را انکار کرد، اما وقتی با شاکیان مواجه شد چاره‌ای جز اعتراف نداشت.

**سرهنگ کارآگاه علی گودرزی، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی پایتخت**

# انکار قتل برادری که ۷ بار ازدواج کرد

**تحقیقات درباره مرگ آتشین مرد هفت‌زنه با دستگیری برادرش وارد مرحله‌ای تازه شد.**

به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۸ صبح سیزدهم مهرماه سال قبل بود که مأموران پلیس از آتش‌سوزی ساختمان مسکونی در حوالی مجیدیه شمالی با خبر و راهی محل شدند.

مأموران در محل حادثه که طبقه دوم ساختمان هفت طبقه‌ای بود دریافتند دقایقی قبل این آتش‌سوزی به عوامل آتش‌نشانی گزارش شده و آتش‌نشانان هم پس از خاموش کردن آتش پیکر نیمه‌جان صاحبخانه را که مرد ۶۳ساله‌ای به نام فریبرز است، کشف و برای درمان به مرکز درمانی منتقل کرده‌اند.

در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت به مأموران خبر رسید فریبرز بر اثر استنشاق شدید دود ناشی از آتش‌سوزی خانه‌اش به کام مرگ رفته است. از سوی دیگر آتش‌نشانان علت حادثه را ریختن مواد آتش‌زا روی پتویی داخل خانه اعلام کردند. پس از این مأموران به دستور بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران این حادثه را از زوایای مختلف مورد بررسی قرار دادند. بررسی‌های مأموران نشان داد فریبرز قبل از فوت هفت‌بار ازدواج کرده‌است و هر بار هم به دلایلی همسرانش را طلاق داده‌است تا اینکه چند ماه قبل سکته می‌کند و قسمتی از بدنش فلج می‌شود و به همین سبب یکی از برادرانش به نام شهروز نگهداری از وی را برعهد می‌گیرد.

همچنین در تحقیقات بعدی مشخص شد مرد فوت شده یک دختر هم دارد که در خارج از کشور زندگی می‌کند، اما برادرش پس از حادثه جسد فریبرز را بدون هماهنگی دخترش و دعوت از او برای مراسم خاکسپاری تحویل گرفته و دفن کرده است و پس از آن هم مبلغ ۱۲۰میلیون تومان به صورت غیرقانونی از حساب فریبرز برداشت کرده و متواری شده است.

بدین ترتیب مأموران که احتمال می‌دادند فریبرز بر اثر آتش‌سوزی عمد به قتل رسیده‌است، برادر وی را به عنوان مظنون این حادثه تحت تعقیب قرار دادند تا اینکه در نهایت مأموران چند روز قبل متهم را دستگیر کردند. وی پس از انتقال به دادسرای امور جنایی تهران جرم خود را انکار کرد و مدعی شد که ۱۲۰میلیون تومان را چند روز قبل از حادثه فریبرز این پول را از حسابش برداشت و به وی تحویل داده است، این در حالی است که تحقیقات حکایت از این دارد پول برداشت شده از حساب فریبرز چند روز بعد از حادثه بوده‌است. بنابراین متهم برای ادامه تحقیقات و روشن شدن زوایایی پنهان حادثه به دستور قاضی غلامی، بازپرس ویژه قتل دادسرا در اختیار کارآگاهان اداره‌دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

**گفت‌وگو با متهمان**

**خودت را معرفی کن؟**

شهروز هستم ۵۳ ساله.

**با برادرت مشکل داشتی؟**

نه، اگر مشکلی داشتم که همراه زن و فرزندم برای نگهداری او از شهرستان به تهران نمی‌آمدم.

**چرا از او نگهداری می‌کردی؟**

برادرم هفت‌بار ازدواج کرد و همه آنها را هم طلاق داد به جز زن هفتمش که خودش جدا شد. البته از زن دومش یک دختر هم دارد، اما او در کشور آلمان زندگی می‌کند و مدرس زبان انگلیسی است. مدتی قبل برادرم سکته کرد و همسر هفتمش به همین خاطر از او جدا شد که برادرم از من خواست به تهران بیایم و از او نگهداری کنم. پس از این همراه همسر و فرزندم به تهران آمدیم، اما ۱۰روز مانده به مهرماه به خاطر شروع سال تحصیلی همسرم با فرزندم به شهرستان برگشتند و من و برادرم تنها شدیم.

**الان شما آتش‌سوزی عمدی را قبول ندارید؟** نه

**روز حادثه کجا بودی؟**

ما یک مسافرخانه در حوالی میدان راه آهن داریم که ارثیه پدری‌مان است. من معمولاً دو روز یک‌بار به مسافرخانه می‌رفتم و از درآمد آنجا سهمم را برای خرجی‌ام می‌گرفتم. آن روز با مترو به مسافرخانه رفتم که همسر هفتم برادرم با من تماس گرفت و گفت همسایه‌ها به او زنگ زدند و گفتند خانه برادرم آتش گرفته است. بلافاصله با موتور سیکلت به خانه برادرم آمدم که دیدم آتش خاموش شده و عوامل اورژانس در حال دادن تنفس مصنوعی به برادرم هستند و بعد هم او را که به بیمارستان منتقل کردند، فوت کرد.

**فکر می‌کنی چرا خانه برادرت آتش گرفته بود؟**

برادرم از ۱۳سالگی معتاد به مواد مخدر بود و این اواخر هم شیشه مصرف می‌کرد، اما نمی‌دانم که علت آتش‌سوزی مربوط به اعتیادش باشد یا نه.

**چرا وقتی برادرت فوت کرد از حسابش پول برداشت کردی؟**

برادرم ۶۰میلیون تومان به من بدهکار بود و به چند نفر دیگر هم بدهی داشت به همین خاطر وقتی سهامش را فروخت این پول را به من داد تا بدهی‌اش را بدهم. من هم بدهی‌اش را پرداخت کردم و باقی‌مانده آن را پس از حادثه خرج کفن و دفنش کردم.

**اما شما بعد از فوت برداشت کردی؟**

(سکوت می‌کند) دقیق نمی‌دانم.

**چرا به دخترش خبر ندادید؟**

ما از دخترش بی‌خبر بودیم تا اینکه مدتی قبل خواهرم با من تماس گرفت و گفت نشانی دختر فریبرز را در آلمان پیدا کرده و با او حرف زده است. خواهرم به دختر برادرم گفته‌بود که ۱۲۰میلیون تومان از حساب پدرش من برداشت کرده‌ام. قرار شد وقتی به ایران آمد با هم حساب کتاب کنیم.

**حرف آخر؟**

من بی‌گناهم و در آتش‌سوزی دستی نداشتم.

## نجات معجزه آسای راننده از میان پاره‌های آهن

**راننده خودرو که در جریان تصادف شدید میان پاره‌های آهن گرفتار شده بود از مرگ حتمی نجات یافت.**

ساعت ۰۲:۳۳ بامداد روز گذشته آتش‌نشانان ایستگاه ۱۴ از واژگونی یک دستگاه خودروی سواری در خیابان غیوری، تقاطع بزرگراه کریمی با خبر و در محل حاضر شدند.

بررسی‌ها نشان داد سواری پژو ۲۰۷ به علت نامعلوم پس از انحراف از مسیر اصلی خود با جدول بلوار برخورد کرده و پس از پرواز در مسیر عرضی بزرگراه به درختان، گاردریل و حفاظ بین دو مسیر برخورد کرده و روی سقف متوقف شده‌است. امدادگران همزمان با ایمن کردن محل، راننده خودرو را که تنها سرنشین آن بود و با کمک رهگذران از میان پاره‌های آهن به جای مانده خارج شده بود به امدادگران اورژانس تحویل دادند. علت حادثه در دست بررسی است.

# اعلام گذشت از قاتل پدر

**مجرم سابقه‌داری که به اتهام قتل پدرش و مثله کردن جسد وی بازداشت شده‌است روز گذشته با اعلام گذشت اولیای دم محاکمه شد.**

به گزارش خبرنگار ما، ۱۶بهمن‌سال۹۶، مأموران پلیس از قتل مرد میانسالی در شمال تهران باخبر و راهی محل شدند. جسد متعلق به همایون ۷۰ساله بود که پس از قتل جسدش مثله شده بود. مأموران پلیس در اولین گام از یکی از پسران مقتول تحقیق کردند. وی گفت: «برادرم بهروز سالهاست که گرفتار اعتیاد است و در زیرزمین خانه پدرم زندگی می‌کند. چهار روز قبل مادرم بیمار بود که خواهرم او را به دکتر برد. آن روز بهروز و پدرم در خانه تنها بودند. شب که به خانه آمدم دیدم از پدر خبری نیست. سراغش را که از بهروز گرفتم گفت به سفر رفته است. من حرفش را باور نکردم. به او گفتم اگر حقیقت را نگویی پلیس را باخبر می‌کنم که به قتل اعتراف کرد. بعد که به زیر زمین رفتم با جسد مثله شده پدرم مواجه شدم.»

همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی، بهروز ۴۵ساله بازداشت شد و به جرمش اعتراف کرد. او مجرم سابقه‌داری بود که ۱۴سابقه در پرونده‌اش ثبت شده‌است و ۲۰سال از عمرش را در زندان سپری کرده‌بود. در حالی که تحقیقات در جریان بود اولیای‌دم از بهروز اعلام گذشت کردند، بنابراین صدور کیفرخواست علیه بهروز از جنبه عمومی جرم صادر و پرونده به شعبه هشتم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

صبح دیروز پرونده روی میز هیئت قضایی همان شعبه به ریاست قاضی رحمانی قرار گرفت. پس از اینکه نماینده دادستان کیفرخواست را قرائت کرد پسر بزرگ مقتول گفت: «برادرم برای زندگی راه اشتباهی انتخاب کرد. من چاره‌ای نداشتم جز اینکه رضایت بدهم.» سپس برادر و خواهر کوچک متهم از دادگاه خواستند متهم در زندان بماند.

در ادامه متهم در شرح ماجرا گفت: «پدرم مرد خوشگذران و بداخلاقی بود. او حتی وقتی بیمار می‌شدیم برای درمان به ما پولی نمی‌داد.»

متهم ادامه داد: «روز حادثه برای گرفتن پول با پدرم بحثم شد و درگیر شدیم. او ناگهان شمشیرش را برداشت و حمله کرد و می‌خواست مرا از خانه بیرون کند. از آنجائیکه قرص متادون مصرف کرده بودم و در حال خودم نبودم با قمه‌ای که داشتم یک ضربه به پدرم زدم که کشته شد. به سختی جسدش را به زیرزمین بردم و در مدت چهار شب جسد را قطعه قطعه کردم.» متهم در حالیکه به گریه‌های خواهرش نگاه می‌کرد، ادامه داد: «وقتی شب‌ها خانواده‌ام می‌خوابیدند به زیرزمین می‌رفتم و با اره اعضای بدن را مثله می‌کردم و بین اسباب خانه پنهان می‌کردم تا در فرصت مناسب آن را از خانه خارج کنم. از وضعیت هولناکی که پیش آمده بود خسته شده بود. به هر حال یک روز که برادرم اصرار کرد من هم ماجرا را شرح دادم.» متهم در آخرین دفاعش گفت: «از این سال‌های عمرم ۲۰سال به اتهام سرقت و مواد در زندان بودم و بقیه عمرم را در کوچه و خیابان بودم. حالا هم که در زندانم نمی‌توانم بدون متادون زنده بمانم. از خانواده طلب بخشش و از دادگاه درخواست کمک دارم.» در پایان هیئت قضایی وارد شور شد.

**حاشیه دادگاه**

پس از ختم جلسه برادر متهم مقابل قاضی قرار گرفت و گفت: «این زندگی به انتخاب خود بهروز بود. در این سالها هم خیلی سعی کردیم بهروز را کمک کنیم، اما بیدار کردن او کار سختی بود. قبول دارم پدرم مرد سخت‌گیر و بداخلاقی بود اما ما هم بچه‌های او بودیم و راهمان را درست انتخاب کردیم و حالا هم آبرومند زندگی می‌کنیم. دلیلی نداشت او پدرمان را به قتل برساند. کارش قابل توجیه نیست. او با این کار غرور خانواده را شکست.» او درباره رضایتش هم گفت: «به لحاظ منطقی او باید قصاص می‌شد اما وقتی به قلبم مراجعه کردم دیدم برادرم است و نمی‌توانستم برایش درخواست مرگ کنم. امیدوارم به او حبس طولانی بدهید چون حضورش در جامعه خطرناک است!»

خواهر متهم هم که در طول جلسه مدام گریه می‌کرد، گفت: «از خدا می‌خواهم هیچ وقت خواهری برادرش را در لباس زندان نبیند. روزهای سختی است. مادرم در این سالها آنقدر گریه کرده که چشمهایش در حال کور شدن است.» خواهر متهم ادامه داد: «شاید هم اشتباه کردیم. بهروز از همه ما بریده بود و چون ازدواج نکرده بود در زیرزمین خانه پدرم تنها زندگی می‌کرد. ما از دست او خسته شده بودیم به همین دلیل او را به حال خودش رها کرده بودیم. شاید اگر بیشتر مراقبش بودیم تنهایش نمی‌گذاشتیم این حادثه اتفاق نمی‌افتاد.» او هم درباره رضایتش گفت: «کدام خواهر می‌تواند به درخواست خودش برادرش را بالای دار ببیند. او همچنان که اشک‌هایش را پاک می‌کرد به زنجیرهای دست برادرش نگاهی کرد و گفت خدا کمکت کند و بعد رفت....»

## مرگ ۲ زن در انفجار گاز پیک‌نیک

**انفجار گاز پیک‌نیک در یکی از باغ‌های شهرستان اراک دو کشته برجای گذاشت.**

این حادثه شامگاه سه‌شنبه در یکی از خانه‌باغ‌های کنار گذر شمالی اراک اتفاق افتاد. آتش‌نشانان پس از حضور در محل متوجه شدند یک دستگاه پیک‌نیک که برای طبخ غذا از آن استفاده می‌شد به یکباره منفجر شده و همزمانش با ایجاد آتش باعث تخریب و ریزش سقف خانه باغ شده است. همچنین مشخص شد دو زن که در محل حضور داشتند میان آوار گرفتار شده و جان باخته‌اند که اجساد از میان آوار خارج شد.

## سقوط مرگبار خودرو به دره کوهسار

**سقوط یک دستگاه خودروی پراید به دره‌ای در محل کوهسار تهران مرگ راننده را در پی داشت.**

این حادثه ساعت ۸ صبح دیروز در محله کوهسار بین چشمه اول و دوم رخ داد و در جریان آن راننده پراید که مردی حدوداً ۳۵ ساله‌ای بود کشته شد. سید جلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران گفت: وقتی آتش‌نشانان در محل حاضر شدند شواهد حکایت از این داشت که ساعاتی از وقوع این حادثه گذشته است که پس از حضور آتش‌نشانان در ته دره مشخص شد، راننده در این حادثه جان خودش را از دست داده است. علت حادثه از سوی مأموران پلیس اعلام خواهد شد.